

سرقت و یا سوء استفاده از اموال فکری

در شرع مقدس اسلام^۱

مترجم: آزاده جانقربان^۲

چکیده:

این مقاله به بررسی شباهت‌های حقوق اسلام و نظام‌های حقوقی غربی درباره حقوق مالکیت معنوی می‌پردازد. اهمیت پرداختن به این موضوع به خاطر این حقیقت است که روز به روز تمایل کشورهای غربی نسبت به اجرای قواعد شرع، بیشتر می‌شود. هدف این یادداشت، بحث پیرامون حمایت کیفری از حقوق مالکیت معنوی است و به اثبات این فرضیه می‌پردازد که حقوق مالکیت معنوی در اسلام هیچ تعارضی با اصول و قواعد سیستم‌های حقوقی غربی ندارد. فرضیه دیگر، اثبات این نکته است که حمایت کیفری از حقوق مالکیت معنوی نباید منتج به مجازات‌های جسمانی گردد بلکه باید مجازاتی اتخاذ شود که حمایت مناسبی از مالکان حقوق معنوی به عمل آورد. در راستای اثبات این فرضیه‌ها باید استدلال شود که سرقت معنوی نمی‌تواند همچون سرقت سنتی (که مجازات نوع حدی آن، قطع ید است) محسوب شود.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت معنوی، نقض حقوق مالکیت معنوی، اموال فکری، سرقت،

فقه اسلام.

1. Journal of Internation at Commercial Law and Technology.vol.4,Issue1 (2009) Share'a: Intellectual Theft or Intellectual Infringement. M.A.Naser & W.H.Muhaisen.

۲. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل.

۱ - مقدمه

با مطالعه مقاله قبلی^۱ همین نویسنده، دلیل توجیهی حقوق مالکیت فکری اثبات گردید که مبتنی بر مدل مالکیت عمومی بر ابتکار یا اختراع^۲ و مطابق قواعد اسلامی است. و نشان داده شد نتایج مهمی که استنتاج شده بود مبتنی بر پایه‌هایی از توجیه اسلامی در خصوص حقوق مالکیت فکری، مخصوصاً در ارتباط با قانون‌گذاری هماهنگ و اجرای حقوق مالکیت فکری است. البته جنبه‌های مورد بحث در توجیه اسلامی از حقوق مالکیت فکری ابتدا مورد حمایت مدنی قرار گرفته است. در این مقاله، از طرف دیگر، موضوع تشابه بین قوانین اسلامی و نظام‌های غربی از لحاظ حمایت جزایی از حق مالکیت فکری بررسی می‌شود. اهمیت پرداختن به این موضوع در این زمان خاص به دلیل افزایش روزافزون درخواست‌ها از جوامع غربی برای اجرای قواعد شرعی در سرزمین‌های [غربی] خودشان

1. M.A. Naser and W.H. Muhaisen, *Intellectual Property: An Islamic Perspective*, J. OF THE COPYRIGHT SOC'Y OF THE U.S.A. (forthcoming 2008).

۲. توضیح مترجم: عموماً آثار فکری مانند ایده، ابتکار، تألیف و تصنیف، جنبه عمومی دارد و منحصر به فرد نمی‌باشد. چرا که این‌گونه تراوش‌های ذهنی، ایستاده بر دانشی است که متعلق به کل جامعه است و این فرد (ایده‌پرداز، مبتکر، مؤلف و مصنف و مانند آن) در آن محیط فکری است که آن دانش و تراوش‌های فکری را ایجاد کرده است. در دیدگاه فقهی، موضوع مطلق است یعنی فرد اصلاً مالکیت انحصاری ندارد. چنانکه در حدیثی از پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) بیان شده که زکات علم، در نشر آن است. اما نکته جالب آن است که هرچند موضوع «کپی رایت» از مسایل مستحدثه و جدید فقهی و مسئله روز و مبتلابه جامعه علمی است، لیکن در خصوص موضوع، بین فقیهان معاصر، اختلاف نظر جدی است. مثلاً فتوای امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله چنین است: «آن چیزی که برخی حق چاپ و تألیف می‌نامند، یک حق شرعی نیست. لذا نمی‌توان تسلط مردم بر اموالشان را بدون قرارداد و شرط مورد قبول طرفین سلب کرد. بنابراین چاپ کتاب و نوشتن این عبارت در ابتدای آن که؛ «حق چاپ و تقلید برای صاحب آن محفوظ است.» موجد حقی نیست و از این‌رو، توافق با دیگران نیز محسوب نمی‌گردد. در نتیجه، چاپ و نسخه‌برداری از آن جایز است و نمی‌توان دیگران را از این کار منع کرد». (موسوی الخمینی، روح‌ا...، *تحریرالوسیله*، ج. ۲، انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چ. اول، ۱۳۶۳، ص. ۵۶۲) در صورتی که زنده‌یاد آیت‌ا... سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری بر این باور است که حق تألیف يك حق شرعی است. چرا که تألیف ناشی از تراوش‌های ذهنی نویسنده آن می‌باشد و دیگران نمی‌توانند از آن استفاده کنند ولی خودش از این بهره برخوردار نباشد. (برای مطالعه بیشتر، رک: مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن، *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری*، چ. اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۳، صص. ۲۳۹ - ۲۳۸)

است. تا آنجا که اسقف اعظم از پذیرش بخشی از شرع یا حقوق اسلامی در بریتانیا دفاع کرده است.^۱ این بیانات دلیل آشکاری جهت نیاز اصلاح قواعد اسلامی در مفاد قانونی و نظام‌های قانون‌گذاری است. اخیراً رئیس کل استیناف، لرد فیلیپ، ابراز نظر کرده که او تمایل به اعمال قوانین شرعی در کشورش دارد مشروط بر این که مغایر با حقوق انگلستان و ولز نباشد یا منجر به اعمال مجازات فیزیکی نگردد.^۲

این یادداشت جدای از هدف نهایی که دارد مسئله را از دیدگاه حمایت جزایی از حقوق مالکیت فکری که هم در جوامع اسلامی و هم کشورهای غربی مورد توجه واقع شده بررسی نموده است.

از حیث کاربردی، در مقام عمل، شروع بحث ما در نظام جزایی اسلامی، «عقوبت» است. چنین نمای کلی، ضروری است؛ چرا که به منظور این که قادر به قرار دادن سرقت فکری در نظام جزایی اسلامی باشیم، این مسئله منجر به ترسیم تشابه بین نظام جزایی اسلامی و حمایت جزایی از حق مالکیت فکری در غرب شده است.

۲ - ضمانت اجرای اسلامی عقوبت

در شرع اسلام، اصطلاحی که برای مجازات به کار می‌رود، عقوبت نام دارد. و عملی که تجاوز به حقوق مردم است، حد (حدود)^۳ نامیده می‌شود. حدود الهی دو دسته‌اند: دسته اول شامل قوانین تعیین شده برای بشر از لحاظ آنچه قانونی و آنچه غیرقانونی است؛ در خصوص غذا، نوشیدنی، ازدواج، طلاق و غیره. دسته دوم شامل مجازات‌های تعیین شده برای اعمال بر افرادی که مرتکب عمل ممنوعه شده‌اند.^۴ در فقه اسلامی، کلمه «حدود» محدود به مجازات جرایمی است که در قرآن یا سنت پیامبر (ص)، از آن، نام برده شده

1. Editorial, *Archbishop of Canterbury argues for Islamic law in Britain*, Times online, Feb. 8, 2008. Available at: <<http://www.timesonline.co.uk/tol/comment/faith/article3328024.ece>> (18-07-08)

2. Patrick Wintour and Riazat Butt, *Sharia law could have UK role, says lord chief justice*, guardian.co.uk, Jul 4, 2008. Available at: <<http://www.guardian.co.uk/uk/2008/jul/04/law.islam>> (18-07-08).

۳. به طور کلی، ر.ک.: ویلیام مک ناتن، *اصول و رویه‌های قضایی* Moohummudan، انتشارات حقوقی، ۱۹۷۷ م.

توضیح ماهنامه «کانون»: البته پرواضح که این تعریف، اساساً جامع و مانع نیست و جای بحث بسیار دارد.

۴. جیمز ست، *مطالعه اصول اخلاقی*، ۳۲۲ - ۳۲۳ (انتشارات کسینگر، ۲۰۰۷).

است. ضمناً مجازات‌های دیگری هم هستند که منوط به تشخیص قاضی‌اند یا این که تعزیر محسوب می‌شوند.^۱

این جرایم قابل مجازات در شرع، جرایمی هستند که در جامعه تأثیرگذارند.^۲ قرآن کریم، این جرایم را برشمرده است. جرایمی چون قتل عمد، راهزنی^۳ یا دزدی در شوارع (حربه)، سرقت، زنا (محصنه (زنا) و تهمت به ارتکاب زنا (قذف) که در این مقاله تنها سرقت مورد بحث است. بر طبق فقه اسلام، قرآن، قانون عامی را برای مجازات اشخاص خاصی از طریق پیروی از الفاظ قرآن وضع کرده است:

«کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن. و هرکس عفو و اصلاح کند پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد».^۴

این اصل، اهمیت بسیاری دارد هم بر شخص خاصی که بر دیگری عمل خطا را انجام داده و هم [در خصوص خطاکاری که] خطاهای ارتكابی علیه جامعه [مرتکب شده] اعمال می‌گردد.^۵ تعدادی از دستورات قرآنی راهنمای «امت» اسلامی در خصوص مجازات خاطیان است.

ماه حرام در برابر ماه حرام. (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند و در آن با شما

۱. تعزیر در لغت به معنای مجازات کردن یک گناهکار به خاطر انجام عمل مجرمانه اوست. در تعزیر قانون ثابتی برای مجازات وجود ندارد و قاضی با تشخیص و ارزیابی عمل، مجازات را تعیین می‌کند. این نوع مجازات با صلاحدید ارائه شده در مقابل عوامل مختلفی، تغییر اجتماعی مؤثری را در تمدن بشری می‌گذارد که این تغییرات بر مبنای تفاوت در روش‌های صدور حکم و یا تنوع رفتار مجرمانه بر طبق قانون قابل تعقیب است. خطاهای قابل مجازات از طریق این روش، خطاهای علیه حیات بشر، مال، صلح عمومی و آسایش است. امروزه ساختار کلی حقوق جزای مسلمانان مبتنی بر اصول تعزیر است. تعزیر، مجازات احتیاطی است که به وسیله قاضی اعمال می‌شود، خواه برای خطایی که مجازاتش [در قانون] معین نیست، یا برای مجازات‌هایی که تشخیص آن با قاضی است. مجازات‌هایی که می‌توان به کار برد؛ شلاق، حبس، جریمه مالی، اخطار و غیره.

۲. M.M.Bravmann، مطالعه زبان‌شناسی، ۵۱۵ (بریل ۱۹۷۷).

۳. محمود ایوب، دهیمه، در قرآن و حدیث، مطالعه عربی ۱۷۲، ۱۷۷ (۱۹۸۳)؛ کلمه راهزن در نسخه انگلیسی از لغت هندی dakaitee که از کلمه dakoo برگرفته شده و به معنای سارق مسلح است.

۴. قرآن کریم، سوره مبارکه شوری، آیه شریفه ۴۰.

۵. انور...، حقوق جزایی اسلام، ۳۱ (۲۰۰۶).

جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید) و تمام حرام‌ها (قابل قصاص است) و (به‌طور کلی) هر کس به شما تعدی کرد همانند آن بر او تعدی کنید. و از خدا پروا دارید (و زیاده‌روی ننمایید) و بدانید خدا با پرهیزگاران است.^۱

همان‌گونه که در آیات محکمت بیان شده در بالا آمده است، مسلمانان خواستار داشتن حقوقی، از طریق فرایند مقتضی، چه در مسایل خصوصی و چه در مسایل عمومی می‌باشند، تا جایی که قبل از اقامه دعوا در نزد قاضی صلاحیت‌دار دادگاه، قانون به دست خودشان اعمال نشود که اگر این کار صورت بگیرد آنان خودشان مرتکب عمل خطا شده‌اند (جزیی از خاطیان محسوب می‌شوند). در هر دفاع خصوصی، آنان باید قاضی عادل را انتخاب کنند که مال سرقت‌شده را به‌عنوان هبه [کمک بلاعوض] به متهم، فرض کند، تا شرایط سرقت حدی فراهم نشود و مجازات حد که همان قطع دست است، اعمال نگردد.^۲

مکتب مالکی و شافعی در این خصوص متفاوتند. مسلماً شکایت نیازمند این است که قاضی دادگاه اعمال حد را مورد ملاحظه قرار دهد، اما نه تا جایی که تصدیق شکایت، مداخله در مرحله بعدی باشد. مبنای بحث‌های آن‌ها در این مورد به‌وسیله [پیامبر عظیم‌الشان اسلام] حضرت محمد (ص) تصمیم‌گیری شده است.^۳ ویژگی مهم‌تر زمانی است که صدور مجازات حد، مشروط به دو شرط بلوغ و گواهی مرد [ی] دارای صلاحیت اخلاقی بالا [عدالت و ایمان] است.^۴ همیشه پیدا کردن چنین شاهدی در صحنه جرم آسان نیست. البته اگر متهم اعتراف به ارتکاب جرم نماید، مجازات بر او اعمال می‌شود. در این خصوص امام ابویوسف از مکتب حنفی و امام احمدبن حنبل پیشنهاد کردند که دو یا

۱. سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۹۴.

۲. العوی، محمد سلیم، مجازات در حقوق اسلامی، مطالعه تطبیقی، ۹۸ - ۹۷ (انتشارات تراست آمریکا، ۲۰۰۰ م.).

۳. القطن، نجوی، استقلال قانون و تبعیض مذاهب (۱۹۹۹ م.).

۴. مترجم: یادآور می‌شود که شاهد باید دارای شرایطی باشد که در ماده ۱۵۵ ق.آ.د.ک. نیز بدان‌ها اشاره شده است. از آن جمله است؛ داشتن عدالت، ایمان، طهارت مولد، ذی‌نفع نبودن شاهد و دشمنی (دنیوی) نداشتن با متهم. دارا بودن تمام این شرایط، فرد را در مقام شهادت، دارای صلاحیت اخلاقی والا می‌نمایاند.

حتی سه تأیید اعتراف قبل از محکومیت نیاز است.^۱

علاوه بر اقدامات بالا، قبل از صدور حکم حد باید ثابت گردد که در واقعه سرقت، متهم، به زور، وارد خانه شده است. همچنین نیاز است که پول، طلا، نقره، زیورآلات، الماس، مروارید و دیگر وسایل ارزشمند باید در جای امنی، محفوظ، بوده باشد. به علاوه، مخزن این نوع وسایل باید محافظت شده باشد و در خانه قفل شده باشد تا از سرقت بالقوه جلوگیری شده باشد. [طوری نباشد که مثلاً عرف بگوید مال باخته از اموالش مراقبت و محافظت ننموده است، در واقع، صاحب مال باید مال را در حرز قرار داده باشد.] عدم به کارگیری احتیاطات مقتضی می تواند منتج به این گردد که قربانی نیز به صورت جزئی برای سرقت روی داده، خطاکار [اهمال کار] به حساب آید. در چنین مواردی که شرایط سرقت حدی فراهم نیست اما دلایل کافی برای محکومیت متهم وجود دارد، تعزیر به جای حد، اعمال می شود. به علاوه، اگر موضوع مال سرقت شده، غذا، علف و یا چوب باشد، مجازات حد اعمال نمی شود.^۲

از آنجا که بر طبق اسلام، حد در هفت مورد اعمال می شود که مجازات سرقت نیز قطع دست است و در سایر موارد دیگر، مجازات تعزیر اعمال می گردد؛^۳ موضوع اصلی این مقاله، ارزیابی این مسئله است که آیا سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری، سرقتی است که نیازمند قطع دست می باشد.^۴ لذا می توان به این مهم دست یافت که سوءاستفاده از حقوق

۱. رک: عوداه، القدير، حقوق جزای اسلامی، انتشارات بین الملل اسلامی، ۲۰۰۰ م.

مترجم: در قانون مجازات اسلامی با دو مرتبه اقرار، جرم متهم سرقت حدی ثابت می گردد.

۲. الغرداوی، یوسف، الحلال والحرام فی الاسلام (قوانین و ممنوعیتها در اسلام)، ترجمه زینب الاوی.

۳. مترجم: حدود به مجازاتهایی گفته می شود که نوع و میزان آن در شرع، تعیین شده است و برای سایر جرایم، اگر نوع و مقدار آن را شارع معین ننموده باشد، (حسب رأی و نظر قاضی) تعزیر اعمال می شود.

همچنین رک: سیالک، باسیا، اسلام، جرم و عدالت کیفری، ۴۷ - ۴۴ (۲۰۰۲).

۴. مترجم: با توجه به عنوان اصلی یادداشت حاضر، این که سرقت فکری تعبیر درست و صحیحی است یا سوءاستفاده از اموال فکری (و ادبی)؟! همچنان که ملاحظه می شود نویسنده برای حقوق مالکیت فکری و ادبی، چنان ارزش و اهمیتی قائل است که در تعریف خود، سوءاستفاده را نیز نوعی سرقت تلقی کرده و مجازات سرقت تعزیری را به دلیل اهمیت موضوع به سوءاستفاده نیز تسری داده است. و این، از آن جهت است که نویسنده برای آثار فکری و تراوش های ذهنی که منحصر به فرد است، اهمیت شایانی قائل است.

مالکیت فکری، به نوعی در نظام ضمانت اجرای جزایی اسلامی قرار داده شده است. [و در اسلام خاستگاه فقهی دارد]

۳- جایگاه سرقت فکری در سیستم ضمانت اجرای اسلامی

پس از بررسی که در سلسله مراتب کیفری اسلامی داشتیم به نظر می‌رسد مسئله مهم و اساسی این است که سرقت فکری را در سیستم حمایتی جای دهیم و این امری ضروری است. چرا که در غیر این صورت، حد، در سرقت فکری هم اعمال می‌گردد. لرد فیلیپ بیان داشته اعمال مجازات فیزیکی در جوامع غربی، غیرقابل قبول است. بدین دلیل که - بر طبق معیارهای غرب - مجازات‌های فیزیکی، مجازات قبول شده‌ای نیست. اگر این امر درست باشد امکان هماهنگی حقوق مالکیت فکری در جهان وجود دارد. در مخالفت، این امر مورد بحث قرار خواهد گرفت که درک این مسئله، دور از واقعیت است. سرقت فکری نمی‌تواند به عنوان موضوعات طبقه‌بندی شده حدود قرار گیرد بلکه این نوع سرقت در زیرمجموعه تعزیر است و این نکته نشانگر این است که در صورت ارتکاب خطاهای جزایی، مجازات‌هایی چون جزای نقدی و حبس که مطابق با ایده مدرن جبران خسارت است، اعمال شود.

به منظور اعمال حد سرقت، کلاً چند شرط لازم است. برخی از شروط مرتبط با شخص سارق است. او باید عاقل، بالغ [باشد] و نباید مجبور به سرقت شده باشد.^۱ شرط دیگر که قبل از قطع دست باید مورد بررسی قرار گیرد، مرتبط با مال مسروقه است که باید از نصاب^۲ به دست آمده باشد، در دسترس باشد، محفوظ باشد، مالک داشته باشد.^۳ برخی از این شرایط در سرقت فکری قابل اعمال است گرچه برخی دیگر، غیرقابل اعمال اند.

۱. ربک: عبدالرحمن، Doi، شرعیه: حقوق اسلامی، انتشارات شرکت با مسئولیت محدود طاه، ۱۹۸۴م). مترجم: همان‌گونه که در مفاد بند ۳ ماده ۱۹۸ ق.م.ا، تبیین شده، نباید سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت شده باشد که در این صورت، [در حالت اجبار سارق به ارتکاب سرقت] حد سرقت قابل اعمال نخواهد بود.

۲. مترجم: مقصود از نصاب، آن است که صاحب مال در صورت گذشت سال مالی اموالش، شرعاً ملتزم به پرداخت زکات یا خمس آن باشد.

۳. همان.

بنابراین بین سرقت اموال مادی با سرقت مالکیت فکری تناسب مناسبی وجود ندارد؛ چرا که ماهیت این دو مالکیت، متفاوت است.

از دیدگاه شرع، ماهیت مالکیت فکری از جوانب مهمی متفاوت از مالکیت مادی است. در این میان نکته کلیدی این است که خالقان فکری به سوی حوزه عمومی هدایت شده‌اند. (مؤلفان از عموم مردم‌اند) که نوعی شهرت در بین مردم [و جامعه] لازم است [پدید آورنده اثر باید از حسن شهرت نسبی برخوردار باشد] در حالی که در مورد اموال مادی شخص می‌تواند بهره‌مندی خود را از مالش محدود کند.^۱ بنابراین در شرع برای اعمال حد سرقت، مالک باید مالش را در مکان امن قرار داده باشد.^۲ این شرط سختی برای اعمال مجازات شدید قطع دست سارق است.

کاربرد و اعمال این شرط برای حقوق مالکیت فکری، مسئله‌دار به نظر می‌رسد. چرا که غیرقابل تصور است که خالق فکری بتواند اثر فکری‌اش را در جای امن قرار دهد. علاوه بر این، [میزان و اندازه] ارزش هر کار فکری، ناشی از تصدیق عام [و مقبولیت اجتماعی اثر] است و آن زمان است که اساساً آن اثر فکری، ارزش می‌یابد.

شرط اساسی‌تر این است که موضوع سرقت باید مال مالک باشد. درخصوص این شرط، توجیه مقتضی برای حقوق مالکیت فکری که به وسیله اصول شرعی پذیرفته شده، در نمونه تألیف عمومی قابل تبیین است. مشروط بر این که مردم نقش اساسی در فرایند ایجاد حقوق مالکیت فکری ایفا کنند. همچنین استنتاج می‌شود که آثار فکری همیار نویسنده ثبت می‌شود و بنابراین هر دوی آن‌ها (نویسنده و همیار)^۳ از مالکیت چنین اثری بهره‌مند می‌گردند. در نتیجه، ثبت حق مالکیت فکری منحصر به صاحب اثر نیست. نتیجتاً این

۱. ویژگی این حقوق، قابلیت انتقال اختیاری به غیر و محدودیت مدت آن‌ها است؛ حق اجرا و عرضه و خواندن اثر برای عموم؛ بدین معنا که پدیدآورنده، حق انحصاری اجرا و خواندن و عرضه آثار موسیقی و آثار نمایشی و مانند آن‌ها را دارد. (ر.ک: لطیفی، مهدی، فصلنامه معرفت، ش. ۵۳).

۲. اختر، ا. عوان، *برابری، فعالیت و مالکیت اموال در سیستم اقتصادی اسلامی*، انتشارات دانشگاهی آمریکا، ۱۹۸۴ م.

۳. مترجم: مقصود از مؤلف، صرفاً نویسنده نیست بلکه پدیدآورنده‌ای است که از راه دانش، هنر یا ذوق و سلیقه موادی را با هم ترکیب و اثری علمی، هنری و ادبی به وجود آورده است. (لطیفی، همان).

مورد دیگری است که مستثنا از اعمال مجازات حد در موارد سوءاستفاده (نقض) است.^۱ سرانجام ملاحظه شرع به منظور اعمال مجازات حد نیازمند بیان صریح در قرآن و سنت است که در زمینه نقض حقوق مالکیت فکری چیزی در دسترس نیست. با این که بیش از ۱۴۲۹ [۱۴۳۲] سال از ظهور اسلام می‌گذرد، سابقه‌ای در خصوص سرقت فکری وجود ندارد. گرچه در این خصوص، مزیت این مقاله، پیشنهادهایی است که در آن ارائه شده است، یعنی تلاش در حل این موضوع بحث‌انگیز است. برای مثال، اخیراً فتوایی به وسیله کمیته الازهر^۲ در ارتباط با نقض حق کپی بیان شده است:

تأویل و تفسیر فکری دیگری، به شکلی جدید، سرقت فکری محسوب نمی‌شود لیکن نیاز است که صادقانه نام مؤلف اصلی بیان گردد. در غیر این صورت، به عنوان نوعی تقلب (فرب) محسوب می‌گردد که ممنوع است اما شامل وضعیتی که مجازات و یا حتی اقدام تأدیبی می‌گردد، نمی‌شود. نقل بخشی از کتاب، مجله یا هر تکه از نوشته‌ای، قانونی است به شرطی که [نام و عنوان] نویسندگان اصلی این نوشته‌ها بیان گردد. کپی از نوشته‌های دیگران و ارائه آن‌ها به عنوان فکر و ایده، خود، نوعی سرقت ادبی غیرقانونی است که هم در شرع و هم در قوانین وضع شده است.^۳

۱. مترجم: از آنجایی که نویسنده مقاله در متن اصلی از واژه co-authorship استفاده نموده است، به نظر می‌رسد احتمالاً مقصود وی «ویراستار» و در برخی زمینه‌ها گروه کاری همیار است که بهترین نمونه آن گروه‌های فیلم‌سازی است و تمامی افرادی که در پدید آمدن اثر (مستقیم یا غیرمستقیم) نقش و فعالیت دارند. در تأیید اهمیت نقش ویراستار در تألیف یک اثر تألیفی همین بس که برخی معتقدند؛ «ویراستاری که ساعت‌های بسیاری را، در طول یک ماه یا بیشتر، صرف ویرایش یک کتاب می‌کند خواه ناخواه علاقه مالکانه‌ای نسبت به آن پیدا می‌کند. کتاب، فرزند معنوی نویسنده است. با این حال، کتاب تا حدی به ناشر نیز تعلق دارد. (رک: پورجوادی، نصر...، درباره ویرایش، ۱۳۶۵).

۲. «الازهر طبق تصویب دولت مصر در سال ۱۹۶۱م، مجموعه‌ای علمی و اسلامی است که به حفظ، بررسی، تبیین و نشر میراث اسلامی می‌پردازد و در راه روشن ساختن حقیقت اسلام و آثار آن در پیشرفت بشر و بالا بردن تمدن گام برمی‌دارد. مطابق بیانات شیخ کنونی الازهر، رسالت این مرکز، روشنگری افکار، ارشاد و همکاری با مقام‌های علمی جهان، جهت تبادل آراء و مشاوره است که بر مبنای اصول و روش پذیرفته‌شده، انجام می‌گیرد. قشرهای مختلف مردم، سؤال‌های خود را به الازهر می‌فرستند تا پاسخ شرعی دریافت کنند، هر چند الازهر برای دولت به عنوان یک مرکز رسمی صدور فتوا شناخته نمی‌شود. بلکه فتوای رسمی خواسته‌شده را مرکزی به نام دارالافتاء صادر می‌کند.»

(<http://www.hawzah.net/fa/magArt.html?magazineID=o&Magazine numberID=4477&MagazineArticleID=34501>)

۳. خالد، فهیم، تشریح عدالت: پژوهشی قانونی و حقوقی جزا در مصر (قرن هجدهم)، ۶ (۲)، ۱۹۹۹م.

با وجود این، به‌طور اتوماتیک، ثبت حقوق مالکیت فکری بدین معنا نیست که نباید از حمایت جزایی برخوردار باشد. هر سوءاستفاده فکری باید از طریق تعزیر مجازات شود. ضمانت‌های تهریه‌شده در نظام‌های غرب، خطای جزایی را شکل داده‌اند (به‌وجود آورده‌اند) که می‌توان آن را مشمول گروه [مجازات] تعزیر دانست.^۱ شرع آن را به عهده دولت‌های اسلامی و دادگاه‌های تصمیم‌گیرنده، نهاده است.

۴ - نتیجه

نکته اساسی این است که ضمانت‌های اجرای سیستم‌های [نظام حقوقی] اسلامی به‌سوی شکنجه هدایت نشده است بلکه اهدافش بررسی دقیق و کامل اعمال خشونت‌آمیزی است که حقوق دیگران را نقض می‌کند. گرچه این مقاله قصد ندارد با استدلال عقلی به توجیه ضمانت‌های جزایی بپردازد؛ با این حال، این مسئله مورد بحث قرار گرفت که اگرچه شرع به موضوع خطاهای جزایی برای سوءاستفاده از آثار فکری نپرداخته و مجازات حد برای سرقت‌هایی از این نوع را اعمال نکرده است، لیکن جهت توجیه و شناسایی حقوق مالکیت فکری در متون اسلامی، مدل مالکیت عمومی بر ابتکار و اختراع را پذیرفتیم تا مجازات قطع دست در موارد نقض و سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری، اعمال نگردد. [و سرقت فکری، سرقت تعزیری محسوب گردد] چرا که در مورد آثار فکری، به‌طور مؤثری، مالکیت عمومی و ثبت^۲ وجود دارد. این مقاله با تکیه بر شرایط حاکم به حمایت از سخن لرد فیلیپ پرداخته و می‌توان آن را بخشی از حقوق داخلی تلقی کرد و [حتی] با اقدامی مناسب، می‌توان تطابقی در حقوق مالکیت فکری بین جوامع غربی و شرقی به‌وجود آورد. بنابراین برطبق شرع، خطای جزایی در حقوق مالکیت فکری، سوءاستفاده فکری می‌باشد، نه سرقت فکری.^۳

۱. به عنوان مثال، قانون علائم تجاری ۱۹۹۴ انگلستان.

۲. مترجم: ثبت اثر در حقوق کشورها متفاوت است. در برخی، الزامی و در بعضی، اختیاری است ولی از آنجایی که ثبت، اماره شناسایی مالک اثر است، زمانی که مورد نقض یا سوءاستفاده قرار می‌گیرد، در مقام اثبات دعوی مفید خواهد بود.

۳. مترجم: ظاهراً نویسنده مقاله معتقد است که در خصوص خطای قابل مجازات با موضوع حقوق مالکیت فکری، عنوان مجرمانه سوءاستفاده فکری صحیح است و نه سرقت! چرا که بر این عقیده است که نسبت به خطای جزایی در حقوق مالکیت فکری، مجازات حد، قابل اعمال نیست و بر مجرم یا متخلف و خاطی در حقوق مالکیت فکری، تعزیر قابلیت صدور حکم دارد و نه حد!